

### متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام عليكم طلبه درس خارج هستم و در مسایل فلسفی، هم علاقه مندم و هم توان آن را در خود می بینم. اما به دو دلیل از ورود جدی به آن پرهیز می کنم که تقاضامندم مرا راهنمایی بفرمایید: ۱- پرهیز از گرفتار شدن در دام علم حصولی و دور شدن از ساحت حضوری ۲- نظر آقایون مکتب تفکیک که واقعا حرفهاشون بی حساب هم نیست و نمی توان به سادگی از کنار آن گذشت. مثلا می گویند ما نباید معارف و حیانی محمد و آل محمد را پای عقل ۴۰۰۰ سال پیش یونان ذبح کنیم (البته مصداقی برای حرفشون پیدا نکردم لذا شاید حرف فلاسفه ما هم همین باشد). لذا به نظر می رسد خطای آنها در این است که فلسفه را پس از مقایسه با وحی و آشکار شدن محدودیت هایش به طور کامل می خواهند طرد کنند. البته جناب آقای حکیمی در کتاب "الهیات الهی و الهیات بشری" نظرات بزرگانی چون امام خمینی، علامه طباطبایی، ملا صدرا و ... را جمع آوری کرده اند که انسان با مطالعه آن حق را به طرفداران مکتب تفکیک می دهد. مثلا در صفحه ۷۵۵ کتاب چنین آمده است {از علامه طباطبایی نقل است که معاد "اسفار" را نخوانند چون شبهه و ایراد دارد. امور عامه خوب است بخوانند. به جای "منظومه"، "بدایه" و به جای "اسفار"، "نهایه" را بخوانید.} پیشاپیش از راهنمایی های شما تشکر می کنم ۱۳۸۹ / ۷ / ۲۶

### متن پاسخ

علیکم السلام، باسمه تعالی موضوعی که سؤال فرموده‌اید موضوع بسیار گسترده‌ای است که نمی‌توان در حد پاسخ به یک سؤال بحث کرد، در صفحه‌ی اول سایت لب‌المیزان در قسمت سؤال ویژه بحث «نسبت ما با قرآن در جهان معاصر» تا حدی جواب کلی را داده، و مقام معظم رهبری نیز در سفر اخیر خود بر روی فلسفه‌ی اسلامی تأکید فرمودند. بنده معتقدم با گزینش سخنان حضرت امام و علامه طباطبائی، مکتب تفکیک حرف‌های خود را می‌زند و روح اندیشه‌ی بزرگان نامبرده نظر به مکتب ملاصدرا است. حضرت آیت الله جوادی "حفظه الله" به عنوان یکی از شاگردان نزدیک به حضرت علامه در مورد معاد اسفار سخن دیگری دارند که بنده در مقدمه‌ی کتاب معاد آورده‌ام.